



اداره طهران خیابان پستخانه نمره ۱۵

این روزنامه بر مذهب و فرهنگ ایران و ایرانگردان در مسقط ذیونوبت است

عنوان: نشریات هفت پیم

مؤسسه و مدیر: شومس و هیئت مدیران

نگار: بیانات و نظرات

قیمت: اعلامات صفحه اول

صفحه دوم سی شاهی

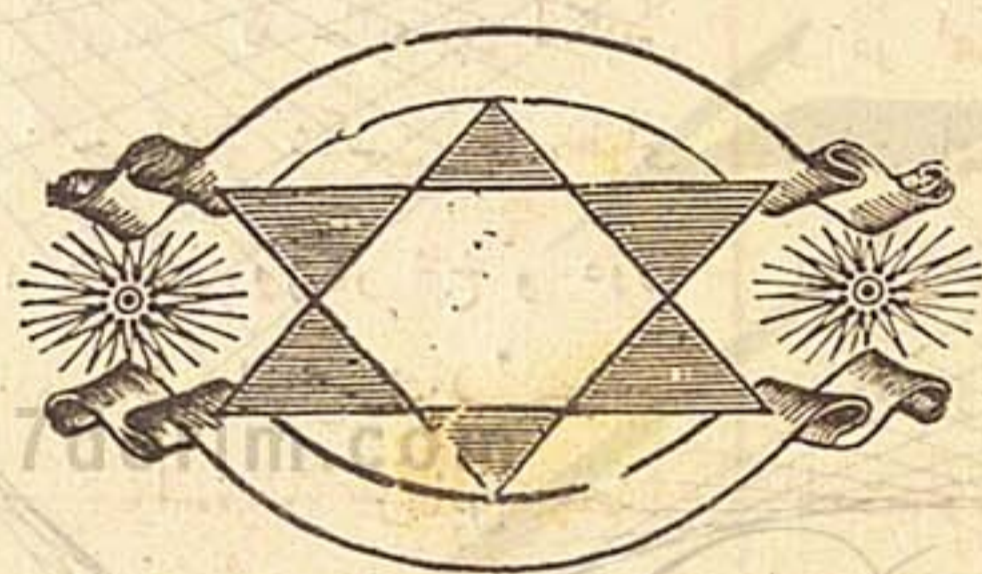
صفحه چهارم دوازده

تسلیف: کلمات و اشعار

تقدیر: هشت شاهی

توقیف بی مهاگمه نامه ما

بک روزی شهیدیم کالاه ما را توفیق نموده اند...



بگذارید این دو کلمه را در آن...

که همسایگان با یک فراگتی بعنوان خیر...

موقعیت ایران و فلسطین

ایران و فلسطین دو مملکتند که...

مواد قیمومیت نامه فلسطین

نظر اینکه شورای مجمع اتفاق ملل احساس نمود که...

حضور مدیر محترم جریده فریده...

تبریک و بشارت

بمقام مصورحقوق باقم توانا و نابای آقای نقیب زاده...

« ( اعجاز و کرامت ) »

بعد از هشت سال وکالت طاقبت قتل خاموشی از دهان آقای دکتر لقمان واکیل کاهمان برداشته شد و نطق ذیل را ایراد کردند

(( شرطی را که آقای آقا سید یعقوب گفتند در قانون استخدام هم نشده است ))

مقصود شرط عضویت شورای دولتی بود که انا سید یعقوب گفته بودند که بایستی مسلمان باشد و دارای فساد عقیده و اخلاق نباشد

ما هم چه کس دادیم که نطق نماینده محترم کاهمانا بیش از نیم سطر شود متأسفانه نشد ولی لازم دانستیم از نماینده محترم توضیح بخواهیم که آیا مقصود ایشان از ادای این جمله موافقت با نطق آقای آقا سید یعقوب بوده و اعتراض داشتند که چرا در قانون استخدام این رعایت نشده است و یا اینکه مخالفت بوده و ذکر قانون استخدام بجای دلیل بوده است خدا یا زین معما پرده بردار !

بزندگی و وطن در ممالک دیگر مینماید بلکه چندی نخواهد گذشت که عده کبیری از مسلمین این مملکت هم مجبور به مهاجرت و جلائی وطن گردند البته عدم مساوات و آزادی بالذات به بلبل متوجه نه تنها تحریرگی بمهاجرت بهود و آرامه مینماید بلکه حتما جلاگری از مراجعت زردشتیان هند هم خواهد کرد

چنگ اقتصاد که حایله بین انگلیس و ایران در جریان و شکست های خنثی متوتر ایران که یک روزگار تلخ و دوره فقر فوق العاده بقاطبه اهالی نشانی میدهد هر ذی حسی را بفرار از این محنت آلوده وادار مینماید چرا ؟ برای اینکه اگر کسی بخواهد حالت روحیه پنجسال دیگر ایران را در میزان عقل مقایسه نماید یک حساب خنثی مختصر کوچک تمام جزئیات را کاتبان باو می فهماند باین طریق که بر حسب تخمین اداره گمرکات سالی هشتاد و دو کرور تومان مملکت ایران کسر صادرات دارد یعنی در هر سال هشتاد کرور پول ایران بخارج می رود و یک پیشتر عوض بر نمیگردد با این حساب اگر عجله اجناس در فیردن مامی ششصد الی نصد هزار تومان قران نقد مجال بدهد سوی بخارج حقیقت مسافری بخارج ( که یکی از سببهای آمد جدید برای تکامل تعیش سرمایه داران ما شده ) و غیر از مصارف زیارات در عرض پنج سال چهار صد کرور تومان ایران زمین خالی خواهد داشت آیا در تمام ایران این بیابان پول یافت می شود که بعد از این مدت ایرانی خود را صاحب یک قران بداند و رقم احتیاج از خود نماید ؟ یا باید بدست خود کردها حفر کرده انتظار آن روز را بکشند که بلا مانع یا نهسایت ذات و افتقار حیات دنیا را وداع نمایند !

پس این حساب پنا نشان میدهد که اگر حقیقتا از این اوضاع آوار و کسر صادرات جلاگیری نشود بعد از مدت قابلی بقران دو تمام ایران باقی مانده نامی از ایرانی درجهنامه بشریت نخواهد ماند

مدت یکصد و سه سال است که پولتیک روسی و انگلیس در ایران مخالف بوده و همین مخالفت اسباب بقا و مختصر روح ایران گردیده بدینجهت در این و آخر آن پولتیک تغییر نموده هر دو دولت عقیم که در عدالت کشی بر یکدیگر سبقت و بر تری دارند از پریشانی و استیصال ایرانیان هر یک جداگانه مجاهدت نموده و در اعمال پولتیک موافق شده اند یعنی دولت انگلیس میکوشد ایرانی فقیر شود برای اینکه در قبایل بی پولی ادارات تعطیل و مخصوصا قشون که ممتازله روح ملت است از نرسیدن حقوق از کار بازمانده طنبیان و اغتشاشی در سر ناسر ایران حکمفرما شود تا دولت و ملت از ناچاری نروا متوسل بالها شده و معاهده شبهه بمعاهده وثوق الدوله امضا کرد ( و بر حسب فورمولی که قبلا ذکر شد این پولتیک ممکن بلکه قسمی الوقوع است ) اما روسها خیال دارند ایرانی مستقل و پریشان شود زیرا آن وقت باالطیبه خودشان بالشویک و با آنها هم ممالک و طرفدار خواهند بود و همین جهت است که دولت روس اجناس تجارتمی ایران را نه بقیمه میخرد و نه بطور ترانزیت میگذارد بخارج حمل شود ( این پولتیک هم بقاعده مان حساب بمیدان امکان نیست ) پس مادر محبطی زندگانی مینمائیم که چاره سازی و ترقی در آن محال است پولتیک خارجه و کار نمائی اولیای امور یکطوری ما را مسخ کرده که ایدا ( چنان که در آمدت تقواستقاهم ) نتوانیم یک قدم پیش برویم و آنچه بجزهائی که سیاست سوء خارجه را بی اثر و متوقف می گذارد و هنوز یوقی از لذائذ و فوائد شان بشمام ما نرسیده موارف استخراج مماندن کشتی و راه آهن و کارخانجات است که بدبخالتانه هیچیک در مملکت ما وجود خارجی ندارد

نه شکایت از نداشتن داریم بلکه خوف و حتم داریم نمیکارند بعدها هم دارا شویم چنانکه تا بحال نگذاشته اند چنانکه در چهار دوره پارلمان و هفده سال

مشروطیت که رعیت در امور مملکتی با دولت شریک بوده نگذاشته اند قدمی رو بسادات بر داریم بلکه تا قواستقاهم ما را در سکودالها و سنکلاخهای وادی جهالت پفرسنگهای خنثی بید عقب انداخته ایلی از کثرت احتیاج ما بخارج به بالثمیمه بسایق و کمی پول ما در داخله و شکست تجارت و انحطاط فلاح و تنزل صنایع و غیره و غیره نشان مینماید که تا چه اندازه عقب رفته ایم اینک وگلائی پارلمان ما یکسال است تقواستقاهم اند امتیاز لفظ ما را بمضامین بر ساقند ثابت میکند که چطور از چهار جهت ما را مینگ کوب کرده اند که بقوانیم بدون مشیت آنها یک قدم جلو تر برویم هم چنین پنج سال اتلاف وقت دولت و صرف تمام مالیه مملکت برای دستگیری یک اسمعیل آقا سمیعقو بما واضح و مدال میسازد که سد های آهنین در جلو ترقیات ما کشیده اند که هنوز او بر طرف نشده آتش فتنه از ناحیه دیگر شعله ورود بگری بجایشی بر خاست

پلی ما بالعیانه دیده و میدانیم در چنگ بین المللی که دولت ایران اعلان بی طرفی داد و باید راحت باشد بالذات به دولت آلمان که سه ساله جنبان چنگ بود خساراتش زیاد تر و تلفاتش معطامادا بیشتر بود چرا ! برای اینکه از طرفی کرور ها پول ایران بهات روس تبدیل و بلاخره کاغذ پاره و مضمحل گردید از طرف دیگر چند هزار تن از ما را میکشید که مدت ده سال با تحمل مخارج فوق العاده از برای قایمین داخله خود تهیه کرده بود با بی طرفی که داشت اسیر چنگال دیومیهب استبداد شده خون پاکشان را تثار استقلال (سوری) نمودند که از اضمحلال آن شدای جوان دولتخواه اسمعیل آقا در مملکت ظهور کرد که هنوز هم اوقات دولت وایخود مصروف و در خرابی مملکت تسریع دارند

از جهتی جنس داخله دیگر خارج نشد و جنس خارجه در ایران پنجاه بلکه صد درصد علاوه فروش رفت از جهت دیگر سراسر مملکت خاصه قسمت عمده شمال مغرب راروسها میدان قاخ و قناز و چابول و غارت فرار دادند از یکطرف کرور ها خروار آذوقه ایرانی که خود بانها محتاج بودند بمنات خریده ایرانی بد بخت گندم ۲۵ تومان را دوپست و پنجاه تومان خریده خورد و غاقبت هم از کرسنجی مرد

آری در تقویه چنگ دنیا دولت ایران با اعلان بیطرفی پیش از پنج کرور تلفات داد که هم در میان خرابیه ها و زیر دیوار ها پشت بام حمام ها بدورد زندگانی گفته صفحات تاریخ را با خون خود کاکون نموده چه دهات و قصبات که پایمال سم ستوران و خراب و چه خانه ها که ویران شد

این ها نبود مگر از ضعف دولت که تقواستقاهم بی طرفی خود را حفظ نماید

بش ت ا ب د

بماتذرو فدرور دایو شرور کفوری راس الشهور و موعودی مبعو کفوریونو با کاندو یخافانی مومناض اوارد وهر جلدی وک تومناض مورش مورش بردای سفارشات دوی جلدی وک قران تکفیر دادره کفایت شد

آدمس یخاک بولکیم ستران

نوی ه

ب - ب - ب

بوشهر مورخه ۲۷ برج قوس ایت نهل ۱۳۰۱

آقای مدیر محترم جریده شریفه محبتهم دام بقا

چون تلکراف دوستانه این بنده را در شماره ۱۹ جریده شریفه خود فرموده بودید قاجارم خواهش نمایم از درج چند سطر ذیل و مقالات این ارسال میشود این بنده را مسرور و منتخر دارید

ایا میدانید جوان من با شما هم آواز شده ام زیرا مشاهده کردم که آنها پیشرفت حقیقت و عدالت گم همت بسته و با وجدان تزلزل فایزیری هستند منظور اصلی خود را بهر قسمی که باشد تعقیب نمائید بهلاوه مقالات آقای سر گنبد زاده که در روزنامه انجاد مندرج بود علو همت و پاکسی ایشان را بر من معلوم داشت و نظیر بتوافق رأییکه با ایشان دارید بنده نیز که همین رویه را تعقیب نمائید با شما همراه خواهیم بود از روزیکه شما بر پنهان گهنگه پرسقی قیام نمودید لایق دانستم بشما هم آواز شده با قلم خود شمارامساعدت نمایم از سوابق عملیات شما میتوان باینه درخشا وار شد

مطمئن باشید جعل برادران ما سرقت خواهد شد این روسای دروغ فریب محو خواهند گردید هیچ قوه مالم ترقی و تکامل نتواند بود نشان میدهد که در سیر قوانین طبیعت انحراف ممکن نیست و بشر در ترقی و تعالی است ده سال پیش از ایام جوانی که در پاریس بودم حقایق این قوانین تاریخی طاز و منکر قضا و قدر بودم اینک می بایستی همان حقایق را جزء عناصر لازمه سیر طبیعت محسوب داشت

گفته اند " تاریخان نشو کار بسامان نرسد اشتباه نگردد اند بنابر هم در خاتمه تکرار میکنم دلدار بود و ابراز شجاعت بنمائید

ب - ایزرائیل

با اینکه ما با نگارنده محترم دارای هیچ سوابقی نبودیم و ناگشون ایشان و فک انکشته ایم صدای حق گوی ما در روح پاک و بی الاین ایشان خود را یافت از دور و از گوه ها از بالای شهر ها قصبات و دهات و گردهی دره ها و عمق دریاها دست خود را دراز کرده بهم دست دادیم و را در اغوش کشیدیم

ما هم مانند نگارنده محترم بقوانین و سیر طبیعت معتقد بوده و میدانیم که ایجاد مساعدت نیز در تحت همان قواعد است

ما یقین داریم که قلب مدنی جوانان منور الفکر و با حرارت از باهام آواز متفق گشته و مقدمات بهراندختن اساس عوام فریبی و مسکنت مباحثت خواهیم ورزید

ای کاش انانی که منصب اسلامیت وایزایت دارند باین مطالب بی برده غم گذشته خورند و چاره آنها اندیشند بفرکره فاهیت رعیت باشند نه سر بار اذیت آنها

حالا که در مقابل این صحنه تاریک این محبط خائن پرور خادم کش این فضای مولدفقر و جمل این درد های بی درمان این یاس و قومیدی ملت این بحران اقتصاد این همسایگان آهنگین بازوی نظام فلسطین نوزاد ( همان مادر بزرگ دست های مهربان خود را سوی اسرائیل دراز نموده می گوید ای پسران من اگر نزد مادران شما بد می گذرد و نمی تواندمساعدت شمارا اینم نمایند نزد من افتد بی جهت خورده فکیرید برای این که فلسطین نوزاد که در مدت سه سال تمام شهر هایش با خطوط آهن یکدیگر وصل شده دارای کشتی ها تعلیم اجباری بانگ فلاحی و استقراضی گردیده است فرزند آن خود را می طلبد و چون جان شیرین در آغوش ترقی و سعادت می پرورد

برای اینکه فلسطین اروپا حاصلش میتواند در کم حمل فرات شود بهلاوه همان دول که پولتیکش خرابی و فقر سیاستش با آبادی شاید اسباب فلسطین باشد ؟

برای اینکه ۳۲ کرور عالم شب و روز از برای عمر سرزمین مهورشند با این تفصیل اگر عده از تکلیفیان خیال مسافرت دارند مقابل منع و ملامت نهند و به نود درصد آنها فکر آزادی و مداخله بوده ده درصد از روی مذهب است

بقیعه من دولت از یسر گیری از این خرابی های پنهان این فقر عمومی و از این بیچاره این جلای وطن ها فقط یک چار و علاج قاطع دارد و آن دادن است که دیگران میخواستند بانگا بدولت امریکا بهلاوه استخدام امریکائی از برای مستشاری و زار نامه ولی نباید خیال کند که

بموجب امضای نیکو مرنکه کل املاکات (رک) میدارد دولت عثمانی  
 از کنفرانس لوزان تمکیناً نودا اسفرت که در مذاکرات و مذاکرات  
 عسکری بین انگلیز و روسیه و فلسطین و غیره نمائند و کلیتاً مذاکراتی را که  
 عیون بود نمائند و انگریز در مسکن با مملکت [انگلیز درین خصوص] نموده است  
 بقره میکنند .  
 در جواب سؤالی که از مسأله اولی در این باره نمائند  
 عثمانی از برای استرداد بین انگلیز و روسیه و فلسطین اقداماتی  
 نموده بود و با آنکه دولت است که کوشش و کوشش از ممالک داناها بود  
 زیرا که در امر انگلیز و روسیه و فلسطین بود و این قضیه و این از ممالک  
 مسلمانان را که تشریح نموده . و اما در این خصوص و در این باره  
 سوره و این قضیه و این قضیه و این قضیه و این قضیه و این قضیه  
 انگاه تعیین گردید و این قضیه و این قضیه و این قضیه و این قضیه  
 بقره شود .

کابینه جدید اوستالیا و نیوزیلند

در روز پنجشنبه کابینه اوستالیا (نیوزیلند) در سیدنی  
 راوس و موزاس بمجلس شورای نیوزیلند بود و در این جلسه  
 بقره و این قضیه و این قضیه و این قضیه و این قضیه و این قضیه  
 انگاه تعیین گردید و این قضیه و این قضیه و این قضیه و این قضیه  
 بقره شود .

اعلان

بمطابق بیهوشی و بیفتن ترس و  
 خدمت آقایان مدین و این قضیه و این قضیه و این قضیه و این قضیه  
 عریض میبود که در نیوزیلند کابینه جدید را تشکیل دهد  
 و این قضیه و این قضیه و این قضیه و این قضیه و این قضیه  
 انگاه تعیین گردید و این قضیه و این قضیه و این قضیه و این قضیه  
 بقره شود .

بموجب

بموجب امضای نیکو مرنکه کل املاکات (رک) میدارد دولت عثمانی

ماه گذشته يك نفر موسی نام بروجدی  
 مهیاد در سر چال که یکی از دهات  
 عراق است و مشترک مابین حاجی  
 سهم الملک پدر آقای سهام السلطان و کل  
 عراق که در پارلمان هست و آقای آقا  
 سید اسدالله رئیس انبار مالیه عراق است  
 موسی مذکور در وقت عصر میان  
 حیاط آن ده مشغول چوب شکستن بوده برای  
 سماور برادری میبرد برای آوردن  
 علف حیواناتی علی آقا نامی که آدمی آقا  
 اسدالله بوده میباید در سر پشت بام یا  
 بودن يك نفر از آدهای حاج سهم الملک  
 علی آقا میکوبید موسی بترس موسی متحمل  
 نمیشود آدم سهم الملک میکوبید موسی خود  
 را نگاه کن میکوبید من با کسی کارندارم  
 علی آقا با تفنگ ورنند کلاه سربومی  
 زنده از پشت شال از روی بستن و سینه  
 برون میاید فوراً عزت الله خان برادر  
 آقای سهام السلطان میاید موسی را  
 معاینه میکنند خودش زخم را می بندد  
 مفرستد مریضخانه حصار که دهی است  
 از دیک سرجاه شاهزاده محمد باقر میرزا مشغول  
 معالجه میشود تا دو روز هم زنده بوده  
 است بعد فوت میشود موسی را آوردند  
 عراقی در حکومت امیر ارفع يك نفر  
 دکتر نظامیه و یک نفر دکتر از حکومت

ایام وظایف است  
 شرح مفصل این قضایا در شماره  
 آتی نوشته و امید داریم اشخاص بدبخت  
 پیش از این الت نشوند  
 اصفهان

از قرار اطلاعاتی که رسیده است  
 معلوم میشود که بعضی اشخاص بواسطه  
 مقصد شخصی و به تقلید مفسدین اینجا  
 برعابه مدرسه آلبانس که ماهه چان  
 و حیات نوع بشر عموماً و ملت یهود  
 ایران خصوصاً میباشند قیام وسایل تطیل  
 اثر فراهم نموده اند .  
 ما آن آقایان را باین اقدام زشت  
 و قابل ملامت متوجه ساخته و از آنها  
 مقصدی مستقیم که هرچه زودتر وسایل  
 افتتاح مدرسه را فراهم و در آنجا پیش  
 مخالفت نهایت مساعدت را بمندرسه بنمایند  
 تا مورد توبیخ و سرزنش اخلاف آتی  
 نگردد .

مرفی کابینه  
 موافق آخرین خبری که رسیده  
 هیئت وزراء روز شنبه ( فردا ) در  
 مجلس شورای ملی مرفی خواهد شد

اخبار خارجه

کابینه سابق و حالیه  
 بالاخره کابینه آقای قوام السلطنه  
 بعد از مقاومت های طولانی در مقابل مخالفین  
 خوش سقوف و در سایه موقع شناسی اکثریت  
 قتل مجلس شورای ملی بلافاصله آقای  
 مستوفی الممالک بریاست وزرائی منصوب  
 ولی مقامات با اهمیت موقعیت قتل مملکت  
 و واقع شدن سیاست ایران در مقابل جریانات  
 کفرانسی لوزان که مذاکرات اخیر آن کاملاً  
 با منافع ایران ناسازگار بوده و نظریات  
 قطعی دولت و پارلمان را ایجاب نمیشد  
 هنوز افراد کابینه معین نگردیده است  
 لازم است آقایان که در انتخاب  
 افراد وزراء برای رئیس الوزرا اشکال  
 تراشی مینمایند برای یکدفعه هم پوده  
 باشد منافع طایفه مملکت را در نظر گرفته  
 و از مقاصد خصوصی آنها فقط برای  
 یکدفعه صرف نظر فرمایند که در یک چنین  
 موقع و وضعی سگله بجزئیات سهاس مملکت  
 وارد نمود

در جامعه یهود  
 پس از این که از طرف حکمران  
 بطور خصوصی از برای تشکیل انجمن  
 ملتی قرار داده شد چون باز هم آقای  
 دکتر لقمان این اقدام را بر فقه خود میدیدند  
 وسایل بر هم زدن آن انجمن را نیز  
 فراهم کردند

هفته گذشته عده از اشخاص بیچاره  
 را تحریک نموده بودند که در محله مشغول  
 شرارت شوند چند نفر از آن ها که در  
 حال ارتکاب جناب زنده بودند از طرف  
 کمیساریای محترم بمحاکمه خلاف اعزام و  
 پس از پرداخت جریمه مستخلص گردیدند  
 باین ترتیب انجمن ملتی (و عده هیل)  
 تشکیلات خود را مرتب نموده و مشغول

مطبوعات

دو تقبیل پیش آمدهای آکاوی که  
 از برای ملت یهود رخ داد و تهاجماتی  
 که با آن آنها شد از طرف آلبانس  
 اسرائیلیت در موقعی که امیر حضرت هابولی  
 در ساریس شریف داشته در قراقرض

مدعی العموم بدایت برعابه آقای موسوی  
 زاده مدیر جریده قیام تشکیل و روز  
 یکشنبه شروع بمحاکمه گردید  
 بعد از هفتاد سال دوره مشروطیت  
 این اولین قدمی است که از طرف مراکز  
 قانونی برای حفظ حیثیت اشخاص و قلم  
 برداشته میشود  
 مابدون اینکه داخل در جریان محاکمه  
 و حقایق و یا هم حقایق اقامه دعوی  
 مدعی العموم شده و یا از آقای موسوی  
 زاده طرفداری ننماییم کاپتا برای حل و  
 فصل جریانات خصوصی جرایم از مجرای  
 قانون که در ضمن شئون مراکز ملی  
 مملکت و شئون جریده نگاری محفوظ  
 خواهد ماند خرسند میباشم  
 نظر اینکه در جزو اسامی منصفین  
 که در جریده شریفه ایران مورخه دو  
 شنبه انتشار یافته بود بعضی عناصر صالح  
 دیده شد لذا امیدواری بجزریان بیطرفانه  
 محاکمه دریا حاصل گردید و منتظریم که  
 محاکمه منصفه شئون تمام افرادی را که  
 اعم از جریده ای که بدون مراعات قانون  
 دچار پنجه توقیف میشود و یا اشخاصی که  
 دچار حملات بعضی مدعیان جریده نگاری  
 میشوند محافظت نمایند

در پارلمان

باز هم قانون انتخابات و قریب  
 آن با شرط اقامت پنجسال در محل در  
 صحنه پارلمان عرص اندام کرد  
 حکایت غریبی است ، شجب از بعضی  
 آقایان نمایندگان و حرکات آنها است که  
 با اینهمه داد و فریاد جرایم آزادی خواه  
 و مخالفهای موافق قانون آزادی و کلاهی  
 آزادیخواه و متور و اظهار قنر از طرف  
 افکار عموم در باره این ترمیم آزادی  
 کس ایداً وقتی نظریات جرایم نمایندگان  
 آزادیخواه و افکار عموم نگذاشته مجدداً  
 پیشنهاد غیر قابل قبول خود را پیش  
 میکنند .

ما پنهانندگانی که از سال اول  
 موقعیت خویش را بواسطه فقر حلیه  
 و کالت که در این دوره نتوانستند از  
 امعان بیرون بیابند احساس نموده و  
 در صدد پیدا کردن وسیله برای آتی  
 برآمده اند حق میدهیم زیرا طبیعتی است  
 این قبیل آقایان اصلاً افکار عمومی و  
 اهمیت تحسین و تلفر آنرا نمیتوانند متوجه  
 بدهند .  
 ولی نمیدانیم چه فواید از طرفداران ایفجور  
 قریب قانون انتخابات چه وسیله ای در  
 دست داشته و این عدم اعتنا را چه صورت  
 مشروعی میدهند .

در هر صورت امیدواریم آقایان  
 و خاتم مسئله را تقدیر فرموده و دیگر  
 تجدید پیشنهاد روز یکشنبه خود را  
 نخواهند فرمود .

خلاصه و بیایع داخلی

مهمترین واقعه ای که اخیراً در مرکز  
 واقع شده مسئله تشکیل هیئت منصفه و  
 اولین مجلس محاکمه آن که بر حسب ادعای

دربک مملکت بی نهایت باشد و او اینکه فقیر  
 و بیچاره باشد چه اگر اینطور بود دولت  
 امریکا دخول مهاجر را در آن مملکت  
 مشروط بدانشین یکصد لیره معین نمیکرد  
 اگر دولت امریکا بی پولها و بیچاره ها را  
 از برای مزید تعداد رعایا قبول کند شکی  
 نیست در مدت پنجسال پنجاه مایرن مهاجر  
 بدان سرزمین مهاجرت خواهد کرد در  
 صورتیکه هم زمین از برای فلاح و هم  
 ماشین و بانک و سایر لوازم زندگی برای  
 آنها موجود دارد رعیت در يك مملکت  
 خوبست بسیار باشد ولی دارا - طالب  
 کارکن - کار دار والا یاباید از ترسندی  
 بمانند یاباید زندگیشان بر دولت یاسار  
 رعایا تحمل شود در هر حال خبر الکلام  
 قتل و در مملکت باید خود داری آزادی  
 و کار و امنیت و وو باشد تا کسی از اهالی  
 آن مهاجرت نکرده بلکه دیگران از اقصای  
 عالم به شوق وطن در آن حرکت نموده  
 آرزوی زندگانی در آن نمایند چون  
 هر کجا چشمه بود شهرین  
 مردم طارو مور کرد آبلد  
 دوست صمیمی شما ظاهر الحکماء

در پارلمان

باز هم قانون انتخابات و قریب  
 آن با شرط اقامت پنجسال در محل در  
 صحنه پارلمان عرص اندام کرد  
 حکایت غریبی است ، شجب از بعضی  
 آقایان نمایندگان و حرکات آنها است که  
 با اینهمه داد و فریاد جرایم آزادی خواه  
 و مخالفهای موافق قانون آزادی و کلاهی  
 آزادیخواه و متور و اظهار قنر از طرف  
 افکار عموم در باره این ترمیم آزادی  
 کس ایداً وقتی نظریات جرایم نمایندگان  
 آزادیخواه و افکار عموم نگذاشته مجدداً  
 پیشنهاد غیر قابل قبول خود را پیش  
 میکنند .

ما پنهانندگانی که از سال اول  
 موقعیت خویش را بواسطه فقر حلیه  
 و کالت که در این دوره نتوانستند از  
 امعان بیرون بیابند احساس نموده و  
 در صدد پیدا کردن وسیله برای آتی  
 برآمده اند حق میدهیم زیرا طبیعتی است  
 این قبیل آقایان اصلاً افکار عمومی و  
 اهمیت تحسین و تلفر آنرا نمیتوانند متوجه  
 بدهند .  
 ولی نمیدانیم چه فواید از طرفداران ایفجور  
 قریب قانون انتخابات چه وسیله ای در  
 دست داشته و این عدم اعتنا را چه صورت  
 مشروعی میدهند .

در هر صورت امیدواریم آقایان  
 و خاتم مسئله را تقدیر فرموده و دیگر  
 تجدید پیشنهاد روز یکشنبه خود را  
 نخواهند فرمود .

خلاصه و بیایع داخلی

مهمترین واقعه ای که اخیراً در مرکز  
 واقع شده مسئله تشکیل هیئت منصفه و  
 اولین مجلس محاکمه آن که بر حسب ادعای